




The University of Tehran Press

An Analytical Study of Robert Nozick's Theory of State

Mohammad Shahab Jalilvand¹ 

1. Assistant Prof. Member of the academic staff of the Ministry of Science, Research and Technology, Ph.D in public law at Shahid Beheshti University. Tehran, Iran.

Email: Shahabjalilvand88@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 479-508</p> <hr/> <p>Received: 2023/05/22</p> <p>Received in Revised form: 2023/09/17</p> <p>Accepted: 2023/11/23</p> <p>Published online: 2025/03/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>freedom, justice, market, minimal state, state of nature, protection agencies, Robert Nozick.</i></p>	<p>Robert Nozick is a prominent theorist of the late twentieth century in the field of political philosophy, who gained fame with his book "Anarchy, State, and Utopia." In this book, based on an anarchistic foundation and relying on some of the principles of John Locke's thought, he outlines the theory of a "minimal state" and, through his specific interpretation of the transition from the "state of nature" to "civil society," ultimately presents an idealized vision of a minimal government. The main question of this research is what foundations and principles underlie the formation and development of the theory of minimal government in Nozick's thought, and what characteristics does this government possess? In contrast to the theory of distributive justice, Nozick insisted on the theory of entitlement justice and demonstrated that the implementation of this theory does not require a broader government. In this way, he challenged all other theories, such as Rawls's, which sought to justify a bureaucratic welfare state. This article aims to provide a depiction of the minimal state concept while critically analyzing Nozick's views using a descriptive-analytical method and library resources, as well as reflecting on the theories of other thinkers</p>
How To Cite	Jalilvand, Mohammad Shahab (2025). An Analytical Study of Robert Nozick's Theory of State. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (1), 479-508. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.359528.3320
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.359528.3320
Publisher	The University of Tehran Press. 



بررسی تحلیلی نظریه دولت در اندیشه رابرت نوزیک

محمدشهاب جلیوند^۱۱. عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران. رایانامه: Shahabjalilvand88@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۴۷۹-۵۰۸</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: آزادی، آژانس‌های حفاظتی، بازار، دولت حداقلی، رابرت نوزیک، عدالت، وضع طبیعی.</p>	<p>رابرت نوزیک از نظریه‌پردازان برجسته اواخر سده بیستم در حوزه فلسفه سیاسی است که با نگارش کتاب <i>آناشسی</i>، دولت و <i>آرمانشهر</i> به شهرت رسید. او در این کتاب با مبنایی <i>آناشسیستی</i> و با اتکا به برخی از بنیادهای اندیشه جان لاک، به ترسیم نظریه «دولت حداقلی» می‌پردازد و با تبیین روند تحول از «وضع طبیعی» به «جامعه مدنی» در قرائت خاص خود، در نهایت تصویری آرمانشهری از دولت حداقل ارائه می‌دهد. سؤال اصلی این پژوهش این است که شکل‌گیری و تکوین نظریه دولت حداقلی در اندیشه رابرت نوزیک بر چه مبنایی و پایه‌هایی استوار است و این دولت چه ویژگی‌هایی دارد؟ نوزیک در مقابل نظریه عدالت توزیعی، بر نظریه عدالت استحقاقی پای فشرده و با این مبنا اثبات کرد که اجرای این نظریه نیازمند دولت گسترده‌تری نیست و به این ترتیب تمام تئوری‌های دیگر مثل نظر راولز را که درصدد توجیه دولت رفاه بوروکراتیک بودند، به چالش کشید. این مقاله می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و همچنین با تعمق در مبنای نظریه دولت رابرت نوزیک، ضمن ارائه تصویری از اندیشه دولت حداقلی، با بهره‌گیری از نظریه‌های دیگر اندیشمندان به نقد نظریه رابرت نوزیک بپردازد.</p>
استناد	جلیوند، محمدشهاب (۱۴۰۴). بررسی تحلیلی نظریه دولت در اندیشه رابرت نوزیک. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۱)، ۴۷۹-۵۰۸. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.359528.3320
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.359528.3320
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

«رابرت نوزیک»^۱ (۱۶ نوامبر ۱۹۳۸ - ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲) یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان اواخر سده بیستم و صاحب آثار گوناگون فلسفی است. او تا هنگام مرگ استاد گروه فلسفه دانشگاه هاروارد بود. جستار اصلی و فشرده سخن او، دفاعی همه‌جانبه و ریشه‌ای از اختیارگرایی و آزادی‌گرایی است تا آنجایی که برخی او را مدافع اختیارگرایی افراطی خوانده‌اند. دیدگاه‌های بدیع و بحث‌برانگیز نوزیک، نفوذ و توجه چشمگیری را برای او در جهان خارج از دانشگاه به ارمغان آورده است. نخستین و مهم‌ترین کتاب او در خصوص فلسفه سیاسی (آنارشی، دولت و آرمانشهر)^۲ (۱۹۷۴م) حرفه او را از یک استاد جوان معروف فلسفه به نظریه‌پرداز ناراضی یک جنبش سیاسی ملی تغییر داد. این کتاب جایزه ملی کتاب را کسب کرد و از سوی ضمیمه ادبی تایمز، به‌عنوان یکی از صد کتاب برتر بعد از جنگ جهانی دوم، برگزیده شد. نوزیک این کتاب را به‌عنوان نقدی بر کتاب *نظریه عدالت*^۳ اثر «جان راولز»^۴ نوشت. کتاب راولز یک زیربنای فلسفی و یک استدلال عقلانی روشمند برای دولت رفاه بوروکراتیک ایجاد می‌کرد تا حقانیت بازتوزیع ثروت توسط دولت برای کمک به فقرا و محرومان را ثابت کند. در مقابل، کتاب نوزیک می‌گوید که حقوق فردی، اساسی و اولیه‌اند و چیزی بیش از یک «دولت حداقل»^۵ نمی‌تواند عادلانه و قابل پذیرش باشد. این دولت همان دولتی است که برای حمایت در مقابل خشونت، دزدی و تنفیذ قراردادها کافی است.

نوزیک در کتاب خود می‌کوشد تا بر مبنای وضع طبیعی منتج از اندیشه‌های جان لاک و همچنین با استفاده از مبنای آنارشیستی، ساختار دولت حداقلی خود را بنا نهد و در نهایت، ساختار این دولت حداقلی را به‌عنوان تصویری آرمانشهری در مقابل دیدگان مخاطبان خود ترسیم کند.

بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که شکل‌گیری و تکوین نظریه دولت حداقلی در اندیشه رابرت نوزیک بر چه مبنای و پایه‌هایی استوار است و این دولت چه ویژگی‌هایی دارد؟ با این مبنا، سؤالات فرعی دیگری در خصوص مبنای کلی اندیشه نوزیک، ساختار کتاب *آنارشی، دولت و اتوپیا*، ویژگی‌های آرمانشهر نوزیکی، نقدهای وارد بر اندیشه نوزیک و... به ذهن متبادر می‌شود که این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی درصدد پاسخگویی به آنهاست.

-
1. Robert Nozick
 2. Anarchy, State, and Utopia
 3. A theory of Justice
 4. John Bordley Rawls
 5. Minimal State

۲. بنیادهای کلی اندیشه رابرت نوزیک

۱.۲. شاخصه‌های بارز اندیشه نوزیک

۱.۱.۲. عدالت

در همه ادوار تاریخ از ابتدا تا امروز و همیشه، بشر دغدغه‌ای داشته است به نام «عدالت». به گونه‌ای که بعضی انسان‌شناسان آن را بُعدی ذاتی از انسانیت به‌شمار می‌آورند. لیکن در تاریخ طویل و پرفراز و فرود لیبرالیسم، عدالت و سرگذشت آن مسئله‌ای است بسیار مناقشه‌برانگیز. به طوری که در صد سال گذشته هرگز از معرکه‌آرا بیرون نرفته است. رابرت نوزیک، به مسئله عدالت به‌عنوان یکی از پایه‌های بنیادین اندیشه خود نگریسته و در این زمینه قلم‌فرسایی فراوان کرده است. به عقیده او، هیچ‌کس مستحق مالکیت شیء یا مالی نیست مگر اینکه از طریق «عدالت در اکتساب مال» یا «عدالت در انتقال مال» و یا بر اساس اصل ترمیم بی‌عدالتی آن را به‌دست آورده باشد.^۱ تفصیل این موضوع در ادامه به نقد گذاشته خواهد شد.

از نگاه نوزیک، افراد از حقوقی برخوردارند که این حقوق برای دیگران محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. این حقوق و محدودیت‌ها درصدد ایجاد خیر ویژه‌ای برای افراد نیست، بلکه حقوقی نسبتاً بنیادی است که در هر شرایطی در جامعه باید محترم شمرده شود.

عدالت به معنای تلاش به‌منظور سازماندهی جامعه به گونه‌ای نیست که نهادهای آن در پی دستیابی به الگویی توزیعی، همانند «معیار توزیع بر اساس توانایی افراد تا معیار توزیع بر اساس نیاز آنان» باشد، بلکه به معنای احترام به حقوق اساسی‌ای است که ممکن است نسبت به فرد بدون رضایت انجام گیرد (پلانت، ۱۳۸۳: ۱۴۴). از نگاه نوزیک این حقوق بسیار اساسی است و همچنین محدودیت‌هایی که این حقوق بر رفتار دیگران تحمیل می‌کند، به اندازه‌ای شدید است که تنها وجود دولت حداقلی توجیه‌پذیر خواهد بود. وی می‌گوید: «افراد دارای حقوقی‌اند و مواردی وجود دارد که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند (بدون نقض حقوق افراد) نسبت به آن موارد اقدامی انجام دهد. این حقوق به اندازه‌ای استوار و مهم است که این پرسش را به‌وجود می‌آورد که دولت یا عوامل او، اگر نگوئیم هیچ، چه کاری ممکن است انجام دهد؟ و حقوق فردی برای (دخالت) دولت تا چه میزانی مجال باقی می‌گذارد؟» (پلانت، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

شایان تأکید است که در بنیاد اندیشه نوزیک، آزادی فردی، مالکیت خصوصی و بازار آزاد اهمیت فراوانی دارند. او معتقد است که آزادی فردی مهم‌ترین عنصر است و «عدالت» همان «دست نامرئی»^۲ در

۱. رک: نوزیک، رابرت و دیگران، لیبرالیسم و مسئله عدالت، ترجمه محمد ملاح‌عباسی، انتشارات ترجمان علوم انسانی، چ اول، ۱۳۹۴.

۲. در اقتصاد و نظریه لیبرالیسم اقتصادی (بازار آزاد)، «دست نامرئی» (به انگلیسی: Invisible hand) هماهنگ‌کننده منافع شخصی و منافع اجتماعی است. این اصطلاح را نخستین بار آدام اسمیت به کار برد. در نظر او، دست نامرئی در

بازار است (Nozick, 1974: 18-22). از دیدگاه نوزیک دولت حداقلی همانند یک داستان دست نامرئی است. سازمان حاکم دولتی را حمایت می‌کند، بدون اینکه واقعاً بکوشد که خود یک دولت باشد (Nozick, 1974: 118-119). این در تناقض با کیفیت دست مرئی، قرارداد اجتماعی یا توجیه دولت قرار می‌گیرد. افرادی مانند جان لاک و هابز قرارداد اجتماعی را مبتنی بر اصل برابری افراد در کنار هم می‌دانند و در ادامه به فکر تشکیل دولت می‌افتند؛ اما نوزیک در مقابل معتقد است که هیچ ملازمه منطقی بین قرارداد اجتماعی و ایجاد دولت در وضعیت مدنی وجود ندارد، پس لزومی ندارد که قرارداد اجتماعی به تشکیل دولت منجر شود و ممکن است به چیز دیگری ختم شود که آن یک دولت مقتدر و متمرکز نباشد. به عبارت دیگر، کتاب *آنارشی، دولت و آرمانشهر* بازبینی مجدد موقعیت «فرد» به تبعیت از دیدگاه کانتی در دوران معاصر است. متفکرانی همچون نوزیک اعتقاد دارند که قرارداد اجتماعی روسو، زمینه‌های رشد دولت و فراگیر شدن آن را فراهم آورده که در نهایت امکان «محو فرد» و «فردیت» را ایجاد کرده است. از این رو تحدید موقعیت فرد و دفاع از فرد در برابر تهاجمات دولت اهمیت پیدا می‌کند و این مسئله به عدالت نزدیک‌تر است. از این رو در تقابل کامل با عدالت و «نظریه عدالت» جان راولز قرار می‌گیرد.

به عبارت روشن‌تر، نوزیک برای تعریف عدالت بر مبنای حق آزادی فردی، بر چهار نکته پای می‌فشارد: نخست واقعیت وجود مستقل افراد انسان، دوم مصونیت افراد انسان از تعرض، سوم هیچ خیر و ارزشی فراتر از فرد وجود ندارد و چهارم فرد به خودی خود هدف است (امیری طهرانی، ۱۴۰۰: ۲۳).

نوزیک در بخش دوم کتاب *آنارشی، دولت و آرمانشهر*، به طور مفصل مبانی اندیشه خود در خصوص «عدالت توزیعی» را تبیین می‌کند. در این بخش نوزیک ضمن رد نظریه راولز در باب عدالت توزیعی، «نظریه استحقاق» خود را مطرح می‌کند. بر این اساس، نوزیک مخالف عدالت توزیعی «الگوداری»^۱ است که دولت بر مبنای آن، در جامعه در قامتی فراتر از حداقل دخالت کند و ظاهر شود (لطفی، ۱۳۹۷: ۵۵۰-۵۵۱). نوزیک در این نظریه به دنبال طرح «عدالت در داشتن» است. به اعتقاد وی یگانه نظریه عدالتی که با حقوق طبیعی و الزامات ناشی از آن سازگاری دارد، نظریه تاریخی عدالت است که به جای پرداختن به معرفی الگویی برای توزیع منابع و امکانات یا بازتوزیع ثروت و دارایی‌ها، به شیوه به دست

جامعه‌ای دارای بیشترین کارایی خواهد بود که از شرایط رقابت کامل برخوردار باشد. به نظر اسمیت نفع شخصی مهمترین عامل محرک فعالیت‌های اقتصادی است. اگر افراد در کسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند و هر فرد بتواند بدون مانع نفع شخصی خود را تأمین کند، آنگاه منافع اجتماع هم به بهترین شکل حاصل خواهد شد، زیرا اجتماع چیزی جز مجموع افراد تشکیل‌دهنده آن نیست. بنابراین منافع فرد و اجتماع هماهنگ و همسوست. برخورد نیروها و منافع افراد در بازار رقابتی موجب ایجاد هماهنگی اقتصادی و ایجاد تعادل می‌شود. در واقع به اعتقاد اسمیت این همان دست نامرئی است که بازار را تنظیم می‌کند و به کمک مکانیسم قیمت‌ها آن را به سوی تعادل می‌کشاند.

آوردن و انتقال دارایی‌ها نظر دارد. این رویکرد به حفظ و شناخت حقوق مالکیت توجه می‌کند. از نظر وی اموال و کالاها، مانده‌های آسمانی نیستند که باید عادلانه و منصفانه میان افراد متقاضی تقسیم شود، بلکه به کسانی تعلق دارد که یا آنها را تصاحب کرده‌اند (تصاحب اولیه منابع طبیعی)، یا آنها را به دست خویش ساخته‌اند یا به طریق منصفانه‌ای به آنها منتقل شده است (نوری‌زاده و شاقول، ۱۳۹۳: ۱۴۶). نکته مهم در مورد نظریه نوزیک این است که اصول استحقاق را نقطه شروع و پایان عدالت توزیعی قرار می‌دهد و در مقایسه با سایر نظریه‌های عدالت استحقاقی، محدودیت‌های کمتری بر کسب و انتقال دارایی می‌پذیرد. در واقع، تنها شرط مورد نظر وی شرط لاکي^۱ است که مطابق آن هر اکتساب، انتقال و یا ترکیب انتقال‌ها بی‌اعتبار است، اگر در نتیجه آن وضعیت، طرف سوم بدتر از آنی شود که در وضع طبیعی است؛ مثلاً اگر کسی طی معاملات مخفیانه حق انحصاری به همه منابع آبی موجود به دست آورد. در واقع، خط مرزی که نوزیک برای شرط لاکي قرار داده، وضعیت طبیعی است که به ندرت نقض شدنی است. به نظر وی، با وجود بهره‌وری و موفقیت نظام سرمایه‌داری در بهبود وضعیت مادی افراد، بسیار غیرمحمتمل است که کسی در یک اقتصاد رقابتی به دارایی‌ای دست یابد که دیگران را زیر این خط فقر قرار دهد (Scanlon, 1976: 5).

روشن است که شیوه تدوین اصول عدالت نوزیک تحت تأثیر فردگرایی اوست؛ اینکه هر فردی مالک خویش و کار خویش است و هر انتقالی بدون رضایت او نامشروع است و نتایج حاصل شده، اهمیت ندارد؛ مگر اینکه در شرایط بسیار نامحتملی، مالکیت انحصاری بر یک دارایی، دیگران را محروم سازد.

۲.۱.۲. مالکیت

نوزیک به توسعه یک نظریه خاص در خصوص مالکیت افراد که آن را «تاریخی» می‌نامد، می‌پردازد. او این چنین استدلال می‌کند که اگر اموال یک شخص از طریق یک فرایند عادلانه به دست آمده یا به او منتقل شده‌اند، هیچ حکومتی نمی‌تواند بدون رضایت وی بخشی از آن را به نحو عادلانه به دیگری منتقل کند. توزیع کالاها در یک زمان خاص موجب نقض حق مالکیتی که از لحاظ تاریخی به ارث رسیده نمی‌شود (مارش، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶).

در نگاه نوزیک، اگر افراد از تعرض مصون باشند یا اگر درصدد باشیم با آنان طوری رفتار کنیم که خودشان هدف باشند، در این صورت، بی‌شک بر بدن‌هایشان حق مالکیت دارند؛ به دیگر سخن، من می‌توانم استعدادها و توانایی‌هایم را (چه فیزیکی و چه ذهنی) به کار گیرم، اما تا حدی که در بهره‌گیری از آنها، «افراد» را به عنوان «ابزار» رسیدن به «اهداف» خود نسازم یا از توانایی‌های خود به شیوه‌ای

1. Lockean proviso

تجاوزگرانه علیه دیگران استفاده نکنم. در مقابل، چنانچه دیگران بتوانند برای من تعیین کنند که چگونه باید توانایی‌های خود را به کارگیرم و به دنبال چه اهدافی باشم، به دیگران نوعی حق مالکیت نسبت به شخص من اعطا شده است: «اگر مردم برای مدت معینی شما را به انجام کار خاص یا بی‌فایده‌ای مجبور کنند و بدون توجه به نظرات شما، تصمیم بگیرند که چه کاری را باید انجام دهید، به موجب این روند، مالک قسمتی از شما می‌گردند. بدیهی است که داشتن این گونه قدرت و کنترلی نسبی در تصمیم‌گیری، مانند داشتن حق مالکیت نسبت به حیوان یا موجودی غیرجاندار خواهد شد» (Nozick, 1974: 172).

اگر شخصی مصون از تعرض باشد، قهراً نسبت به بدن خود، توانایی‌ها، استعدادها و کارهایش (حتی حرکات فیزیکی بدنش) حق مالکیتی مطلق دارد. با توجه به این نکته، از این پس، نوزیک باید توضیح دهد که فرد چگونه با بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعدادها در مسیر کارش، می‌تواند حق مالکیت خصوصی مسلمی نسبت به چیزهایی که در ملک او نیست، داشته باشد. در اینجا پاسخ نوزیک گونه‌ای از «نظریه مالکیت بر کار» است که از سوی لاک مطرح شد. از نظر نوزیک، اگرچه معنای حقوقی از مالکیت خصوصی ظاهراً این است که دیگران حق تصرف ندارند، اما در عین حال افراد می‌توانند از مستثنا شدن از چنین مالکیتی بهره‌گیرند، زیرا مالکیت خصوصی، همه نوع منافع را حتی برای کسانی که از امکان تصرف مستثنا هستند، به دنبال دارد؛ بنابراین، دست‌کم موقعیتشان بدتر نشده و در نتیجه، هیچ حق اساسی‌ای نقض نمی‌شود.

نوزیک به حق هر فرد در تصاحب منابع طبیعی تصریح کرده است که به‌طور ضمنی بر حقوق همه افراد در بهره‌برداری از منابع طبیعی دلالت دارد. لیکن به نظر می‌رسد که نوزیک به برابری حقوق همه افراد در تصاحب منابع طبیعی باور ندارد. آنچه این ادعا را تقویت می‌کند، نقدی مبسوط است که او علی‌رغم پیروی از اندیشه حق طبیعی جان لاک، بر شرط مالکیت از نظر او وارد می‌کند. لاک مالکیت فرد بر منابع طبیعی را به این مشروط می‌کند که منابعی به اندازه کافی برای دیگران باقی بماند (Nozick, 1974: 170) یا به تعبیر نوزیک وضعیت دیگران را بدتر نکند (Nozick, 1974: 72). از این رو در نگاه نوزیک، چنان حیازتی که اصل منبع را از بین می‌برد، نامشروع تلقی خواهد شد (جعفری تبار، ۱۳۸۶: ۶۴). نوزیک در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که شرط لاک یک اصل وضعیت‌گایی نیست و بر نحوه خاصی تمرکز دارد که افعال تملک و تصاحب بر دیگران تأثیر می‌گذارد و نه بر ساختار وضعیتی که حاصل می‌شود (Nozick, 1974: 72-77).

نقدی که در اینجا می‌توان به اندیشه نوزیک وارد کرد آن است که اگر بپذیریم که همه انسان‌ها از حق بهره‌مندی از منابع طبیعی برخوردارند، چنانچه رفتار برخی افراد در اعمال این حق خود برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و مالکیت دسترنج خود، موجب اخلال در بهره‌مندی دیگر افراد و حتی محرومیت آنان شود (بدتر کردن وضع دیگران)، بازتوزیع ثروت و درآمد کسب‌شده، دیگر تعرض به حق

فرد و نقض مصونیت او محسوب نمی‌شود. در این صورت، بازتوزیع ثروت و درآمد در واقع بازگرداندن حق سلب‌شده یا منع‌شده دیگر افراد خواهد بود. البته این به مفهوم توجیه تعرض‌آمیز نبودن هرگونه بازتوزیع ثروت و درآمد نیست. در اینجا سنجش این است که رفتار هریک از افراد در اعمال حق بهره‌برداری و بهره‌مندی از منابع طبیعی، موجب اخلال در حقوق دیگران نشده باشد. در مجموع، با توجه به مبانی اندیشه نوزیک، مالکیت خصوصی آثار و پیامدهای سودمندی نیز دارد که از آن جمله:

۱. مالکیت خصوصی کل تولید اجتماعی را با نهادن منابع در دست کسانی که می‌توانند از آنها به شکل کارآمد و سودمندتری استفاده کنند، افزایش می‌دهد؛
۲. مالکیت خصوصی، تجربه‌های شخصی را ترغیب می‌کند، زیرا با وجود اشخاص مستقلی که منابع را در اختیار دارند، هیچ شخص واحد یا گروه کوچکی وجود ندارد که فردی با ایده‌ای جدید آنان را به آزمودن آن تجربه، متقاعد کند؛
۳. مالکیت خصوصی به «خبرگی»^۱ در تحمل خطر منتهی می‌شود؛ زیرا چنین نظامی ایجاب می‌کند که هر شخص باید هزینه‌های خطرهایی را که از ناحیه دیگران در کسب‌وکار متوجه می‌شود، تحمل کند؛
۴. مالکیت خصوصی با تشویق به استفاده نکردن از ذخایر موجود، آن ذخایر را برای دادوستدهای آینده حفظ و از نسل‌های آینده حمایت می‌کند؛
۵. مالکیت خصوصی از اشخاص گمنام در بازار کار حمایت می‌کند، زیرا در چنین نظامی، منابع مختلف زیادی برای اشتغال وجود دارد (پالانت، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۶).

۳.۱.۲. فردگرایی

فردگرایی یکی از مؤلفه‌های مهم لیبرالیسم است که بیشتر فلاسفه لیبرال، هرچند با تعابیر متفاوت، از آن دفاع می‌کنند و گویای این مطلب است که فرد بر جامعه تقدم دارد و خواست‌های افراد، بر خواست جامعه و نهادهای آن اولویت دارد. در حقیقت جامعه و رای افراد موجودیتی مستقل ندارد. برداشت نوزیک از مسئله «خود» در پاسخ و تقابل با مفهوم «خود» در نظریه عدالت رالز مطرح شده و خاطر نشان می‌کند: «{خود} محض که در ضمن نظریه راولز وجود دارد، با مفهومی از «خود»^۲ که ما با آن آشنا هستیم بیگانه است» (Nozick, 1974: 228). وی دلیل دیگری برای مخالفت با تعریف راولز از خود بیان می‌کند و مدعی می‌شود که این برداشت از «خود»، به فاعل استعلایی و متافیزیکی کانت نزدیک می‌شود

1. Expertise

2. Self

که راولز در ابتدا درصدد اجتناب از آن بود و در نهایت اینکه این برداشت از «خود»، مسائلی نظیر حریم خصوصی، حق انتخاب فردی و مسئولیت عمل را که از مؤلفه‌های اصلی در لیبرالیسم وظیفه‌گرایانه هستند، نادیده می‌گیرد و در تناقض با آنهاست (Nozick, 1974: 214). در واقع، نوزیک فلسفه خود را با آزادی فردی به‌مثابه اصیل‌ترین حق آغاز می‌کند و عدالت را در پرتو آن تعریف می‌کند. چه آنکه از نظر او، در این جهان تنها توانایی تنظیم مناسبات و زندگی توسط خود فرد است که می‌تواند به زندگی او معنا ببخشد (لسناف، ۱۳۸۷: ۴۰۵). از این‌رو تأمین نشدن حق دیگران هیچ‌گونه مسئولیتی را متوجه فرد نکرده و هیچ انگیزاننده‌ای را برای از خودگذشتگی بر او تحمیل نمی‌کند.

در اندیشه رابرت نوزیک، عقل فردی بالاتر از عقل دولت است. وی معتقد است که افراد دارای انتخاب عقلایی هستند و قادرند راه خود را پیدا کنند. افراد در حوزه خصوصی به انتخاب عقلایی دست می‌زنند و عقلانیت انسان قابل احترام است و دولت نمی‌تواند به حوزه خصوصی فرد وارد شود و به جای او به انتخاب عقلایی بپردازد. در عین حال در حوزه عمومی نیز نوزیک معتقد است که بازار آزاد موجب می‌شود به لحاظ منفعت شخصی افراد دست به انتخاب عقلایی بزنند تا بیشترین کارآمدی را داشته باشند و به بیشترین منفعت برسند. در عین حال دولت با دخالت در این حوزه، انتخاب عقلایی افراد را خدشه‌دار می‌کند و به لحاظ اینکه منفعت همگانی را تشخیص نمی‌دهد، وضع اقتصادی را بدتر می‌کند.

نوزیک کمترین مداخله دولت در حوزه خصوصی فرد را می‌خواهد و عدالت را در برابر فرصت‌ها در اقتصاد و نه مساوات‌گرایی و دولت‌حمایتگر مطرح می‌کند. «رابرت نوزیک» و «موری روتبارد» در تعریفشان از آزادی به نحوی خالص بر بعد منفی آن تأکید دارند و مصرند که هیچ بخشی از این آزادی نباید با دیگر کالاهای اجتماعی معامله شود. مداخله اجتماعی دولت که به نحوی اجباری صورت می‌گیرد سبب می‌شود تا آزادی منفی افراد کاهش یابد. مطابق نظریه آنان چنین کاهش هم از لحاظ اخلاقی توجیه‌ناپذیر و هم برای رفاه اجتماعی زیان‌آور است.^۱ البته رابرت نوزیک به توسعه دیدگاه فردگرایی افراطی مخصوص به خود می‌پردازد.

نوزیک و آنارشیست‌های فردگرا هم‌عقیده‌اند که داشتن حقوق برای افراد یک مسئله است و سایر موارد برای آنها برای حفاظت از حقوقشان است. داشتن حق در مقابل دیگرانی که آنها بدان شخص تجاوز نمی‌کنند، یک چیز است؛ داشتن حقوق در مقابل دیگرانی که از یک شخص در برابر تجاوز حفاظت می‌کند، چیز دیگری است. به عنوان یک حق مثبت، حق بر حفاظت در مقابل نقض حقوق یک فرد باید از طریق برخی از تعاملات خاص بین مأمور تعیین حق و مأمور تعیین تعهد دوجانبه به‌وجود آید.

۱. ر.ک: هرمن هوپ، هانس، موری روتبارد: اقتصاد، علم، آزادی، ترجمه محسن رنجبر، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۵۷۲، ۱۳۹۰/۱۱/۸.

شایع‌ترین نوع تعامل ویژه که به داشتن یک حق مثبت در برابر دیگری منجر می‌شود، قرارداد است (Mack, 2014). با این حال، آنارشی فردگرا و نوزیک هم‌عقیده‌اند که هرگز هیچ‌گونه قرارداد اجتماعی کلی که به موجب آن افراد برای به‌دست آوردن سطح گسترده‌ای از حقوق مثبت یکدیگر برای حفاظت از حقوق پیش‌قراردادیشان نیاز داشته باشند، وجود نداشته است و رضایت ضمنی در کاغذی غیرمکتوب ارزش ندارد (Nozick, 1974: 287).

وی ادعای آنارشیست‌ها علیه دولت را نمی‌پذیرد و در عوض از یک دولت حداقلی که خود را محدود به حفظ قانون و نظم می‌کند، حمایت می‌کند. وی انواع دیگر مداخله دولت را بر این اساس که به استقلال فرد خدشه وارد می‌کند، رد می‌کند. این همان نکته‌ای است که وی معتقد است که افراد به جای اینکه خود به‌عنوان هدف تصور شوند، بدون رضایت خویش برای برخی اهداف فرضاً بالاتر مانند دستیابی به یک توزیع خاص کالا به‌کار می‌رود.

در همین زمینه موضوع دموکراسی را نیز نباید در مکتب سیاسی نوزیک از نظر دور داشت. «دیوید هلد»^۱ معتقد است که هرچند هایدک به‌طور مفصل نظر خود را در خصوص دموکراسی بیان کرده، اما روی‌هم‌رفته در نظر نوزیک یک ابهام وجود دارد. وی در اثر خود از دموکراسی مبتنی بر اندیشه «نولیبرال» یا «راست جدید» سخن گفته و مدافعان آن را رابرت نوزیک و فردریک فون هایدک دانسته است. وی می‌گوید که در این مکتب، دموکراسی را ابزاری سودجویانه برای کمک به تأمین والاترین هدف سیاسی یعنی آزادی به‌شمار می‌آورند (هلد، ۱۳۷۸: ۳۷۰-۳۷۸). مسئله قانون و حقوق قانونی در دموکراسی راست جدید با هدف حفظ آزادی‌های فردی یک اصل اجتناب‌ناپذیر است. در واقع قانون در دموکراسی راست جدید، به‌عنوان سپر محافظی است که از حقوق فرد در قبال تجمیع آراء و منافع جمع حمایت می‌کند (قادری، ۱۳۸۷: ۵۲).

به قول اریک ماک، دولت حداقلی موردنظر رابرت نوزیک، در بسیاری از حالت‌های دیگر نیز شبیه یک مجتمع و سیستم کسب‌وکار است تا یک دولت. هیچ نوع حاکمی وجود ندارد و هیچ نوع سیستم قانونگذاری وجود ندارد. انتخابات سیاسی، شهروندان و احزاب معترض نیز وجود ندارند. هیچ نوع حاکمیتی وجود ندارد و هیچ نوع قلمرو دولتی پیدا نمی‌شود. در عوض عوامل اجرایی یا مجموعه‌ای از مدیران، سرمایه‌داران، ارباب‌رجوعان و مالکیت‌های سازمانی وجود دارند (Mack, 2014).

۲.۲. زمینه نظری شکل‌گیری دولت حداقل در اندیشه نوزیک

رابرت نوزیک در کنار جان راولز از مهم‌ترین و پرنفوذترین فیلسوفان سیاسی در سنت تحلیلی انگلیسی -

1. David Held

آمریکایی محسوب می‌شود. درحالی که راولز به نظام‌سازی در مورد لیبرالیسم مساوات‌طلبانه چپ سیاسی پرداخت، نوزیک همین کار را در مورد لیبرتاریانیسم ناظر بر اقتصاد بازار سنت راست انجام داد. او اندیشمندی با علایق متنوع بود و به رشته‌های فلسفی بیرون از نظریه سیاسی نیز به‌ویژه در معرفت‌شناسی و مباحث متافیزیکی مربوط به هویت شخصی، یاری‌های مهمی رساند. از این رو بستر اندیشه‌های چپ‌گرای نوزیک، در نظریه عدالت راولز شکل گرفت.

کتاب راولز بستری فلسفی برای «دولت رفاه»^۱ بوروکراتیک فراهم ساخت و بخشی معقول برای حق دولت جهت توزیع مجدد ثروت به‌منظور کمک به معلولین و بیچارگان را مطرح کرد. برای درک دولت در اندیشه راولز باید، در تمام مراحل، نظریه عدالت وی پیش رو باشد؛ زیرا نگاه وی به دولت از دریچه اصول عدالتی است که مطرح کرده است. از نظر راولز دولتی مطلوب خواهد بود که از یک سو بتواند آزادی‌های بنیادین مردم یعنی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی بیان و آزادی تجمعات، حق بر مالکیت شخصی و آزادی از بازداشت خودسرانه را تأمین کند. اصولاً راولز دولت لیبرال را واجد این خصوصیات می‌داند. دولتی که نهایت آزادی را برای افراد فراهم می‌کند و حقوق آنان را به رسمیت می‌شناسد.^۲

از سوی دیگر این چنین دولتی می‌باید بتواند با ورود در عرصه حیات اجتماعی روابط اقتصادی - اجتماعی را طوری برنامه‌ریزی کند که بیشترین بهره برای کم‌درآمدترین اعضای جامعه فراهم شود و این ورود و دخالت دولت اولاً به خصلت لیبرالی آن صدمه‌ای وارد نکند و ثانیاً موجب نابرابری در دستیابی به فرصت‌ها و مناصب نشود.

چنین دولتی هرچند از نظر سیاسی لیبرال است، ولی با دولت‌های لیبرال در اندیشه سده هجدهم و نوزدهم متفاوت است. در گذشته دولت‌های لیبرال، این دولت‌ها از هرگونه دخالت و ورود به عرصه‌ی حیات اجتماعی - اقتصادی منع می‌شدند و وظیفه آنها صرفاً حراست و پاسداری از فردگرایی افراطی و آزادی بسیار در روابط فردی بود. در دولت لیبرال راولز، دولت صرفاً تماشاگر صحنه روابط توزیع کالاها نیست، بلکه خود به‌صورت فعال برای تأمین عدالت عمل می‌کند. دولت از طریق اقداماتی نظیر مالیات‌بندی‌های پلکانی و اخذ مالیات کمتر از کم‌درآمدها و مالیات بیشتر از دارندگان درآمدهای بیشتر، اقدام به توزیع و بازتوزیع دارایی‌ها می‌کند (راولز، ۱۳۸۳: ۲۱۳-۲۱۵). بنابراین دولت راولزی یک دولت لیبرال است که برای تأمین رفاه شهروندان اقدام به دخالت در بازار می‌کند و به‌عبارت دیگر یک دولت رفاهی است. راولز در این زمینه از دو جهت با نگرش کلی لیبرالیسم فاصله می‌گیرد: اول اینکه آزادی را به دو گونه آزادی اساسی مانند آزادی اندیشه و بیان، و غیراساسی مانند آزادی اقتصادی تقسیم می‌کند.

1. Welfare state

۲. ر.ک: راولز، جان، عدالت به‌مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، ققنوس، ۱۳۸۳.

وی در این زمینه بر خلاف جریان رایج، اجازه محدودیت آزادی‌های غیراساسی را روا می‌دارد؛ دوم اینکه نظر خویش را از لیبرالیسم بر پایه ارزش عدالت استوار می‌کند (دادگر، ۱۳۸۸: ۵۶). به یقین در اندیشه او، ایجاد محدودیت در آزادی‌های غیراساسی صرفاً در صلاحیت دولت رفاهی است.

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، نوزیک، کتاب «آنارسی، دولت و آرمانشهر» خود را در نقد نظریه عدالت راولز نوشت. نظریه عدالت نوزیک در تناسب کامل با نظریه دولت حداقلی است. به نظر می‌رسد آنچه در دیدگاه‌های نوزیک بدیع‌تر به نظر می‌آید، دیدگاه هستی‌شناسانه‌ای است که نسبت به وضعیت «فرد» در جامعه و اساساً جهان سیاست در دوران اخیر وجود دارد. نوزیک نظریه عدالت راولز را نوعی نظریه‌پردازی در عالم خیال توصیف می‌کند و اعتقاد دارد که راولز با ارائه نظریه عدالت، لیبرالیسم را با سوسیالیسم خلط کرده و دچار خطا شده است. او در مقابل دو اصل عدالت راولز از سه اصل نام می‌برد و این اصول را به جای ابتدا بر «انصاف»، مبتنی بر «استحقاق» می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که راولز ضمن طراحی دو اصل برای عدالت، در واقع یک زندگی الگومند را پیشنهاد می‌کند که حاصل آن هم نقض آزادی بشر و هم لغو برابری اوست (جین، ۱۳۸۰: ۲۵۰-۲۵۴). نوزیک می‌گوید طبق نظریه راولز دولت باید بخشی از ثروت طبقه بالا را به بخش فقیر جامعه تزریق کند (عدالت توزیعی)؛ اما راولز توضیح نمی‌دهد چرا فرد سرمایه‌دار باید بخشی از ثروت خود را به دیگری بدهد درحالی‌که اگر فرد بدون تجاوز به حقوق دیگران و از راه قانونی و با تلاش خود ثروتی را به دست آورده باشد، دولت حق ندارد بدون رضایت او بخشی از این ثروت را از او بگیرد (جین، ۱۳۸۰: ۳۵).

در شرایطی که جان راولز از دولت می‌خواست که در دفاع از فقیران و به نفع آنان وارد کار شده و اقداماتی گسترده را انجام دهد، نوزیک بر عکس طرفدار سرمایه‌داری دولت‌ستیز و در واقع، «دولت حداقلی» بود و از دولت حداقل دفاع می‌کرد و آن را عین عدالت می‌دانست.

در واقع وی وظایف دولت را صرفاً حمایت پلیسی، اجرای قراردادها، دفاع ملی (و نه بیشتر) برمی‌شمرد. بنابراین از نظر نوزیک حمل‌ونقل عمومی، بهداشت همگانی، تعلیم و تربیت همگانی یا جاده‌ها و پارک‌ها و هر آنچه به توزیع دوباره «سود» از طرف دولت منجر شود، «غیرعدالانه» است و موجب بسط و توسعه رخت، بی‌انگیزگی و «محو فردیت» شده و غیرعدالانه است. با این اوصاف، فقط دولت حداقل می‌تواند، آن هم تا حدودی ضامن امنیت «حقوق مطلق فردی» باشد و این‌گونه است که جامعه به سمت آن عدالت نهایی که اتوپیا (آرمانشهر) نامگذاری می‌کند، میل جبری^۱ پیدا می‌کند. به این ترتیب، از نظر نوزیک مفهوم دولت حداقل و فرد با مفهوم عدالت گره می‌خورد.

۱. مقصود از میل جبری این است که برای مثال عددی به سمت نقطه‌ای میل می‌کند و به آن خیلی نزدیک می‌شود، ولی هیچ‌گاه به‌طور واقعی به آن نمی‌رسد و فقط فاصله دائماً کم می‌شود.

۳. نظریه دولت حداقل بر اساس کتاب آنارشی، دولت و آرمانشهر

کتاب آنارشی، دولت و آرمانشهر نوزیک در سه بخش تنظیم شده است. هدف اصلی بخش اول این کتاب، دادن پاسخی متقابل بر ادعای آنارشیست‌هاست که هیچ دولتی، حتی دولتی حداقلی و ناظم را توجیه‌پذیر نمی‌دانند. در این مسیر، بخش اول به برداشت نوزیک از سؤال اساسی فلسفه سیاسی اختصاص داده شده است که آیا اساساً دولتی باید وجود داشته باشد. نوزیک به دنبال پاسخ دادن به ادعای آنارشیست‌هاست، از این طریق که چگونه یک دولت حداقلی - دولتی که اساساً محدود به حفاظت از حقوق اشخاص، اموال و قراردادهاست - می‌تواند بدون نقض حقوق به وجود آید. در بخش دوم او ثابت می‌کند که چگونه هیچ چیزی بیشتر از یک دولت حداقلی نمی‌تواند بدون نقض حقوق فردی به وجود آید. سپس در بخش سوم، او توضیح می‌دهد که چگونه دولت حداقلی می‌تواند یک چارچوب «آرمانشهری»^۱ برای انجمن‌ها و اجتماعات داوطلبانه و تجربیات اتوپیایی فراهم سازد.

از این رو با پیش فرض یک دولت آنارشیست در بازار آزاد طبیعی، نوزیک دولت را به عنوان امری تکوینی و به وسیله یک فرایند دست نامرئی توصیف می‌کند که حقوق هیچ کس را نقض نمی‌کند. این سیر تکوین در اندیشه نوزیک، ابتدا به عنوان یک «بنگاه حفاظتی غالب»^۲، سپس به عنوان یک «دولت فراحداقلی»^۳ و در نهایت به عنوان یک «دولت حداقلی»^۴ خودنمایی می‌کند (Nozick, 1974: 113-119).

نوزیک در صدد پاسخگویی به آنارشیست‌های فردگراست، دقیقاً به این دلیل که این شکل از دولت‌ستیزی خود ریشه در حقوق اخلاقی دارد که نوزیک هم آن را فریاد می‌زند. حقوق اخلاقی منفی نوزیک مدعی است که به طور گسترده‌ای استفاده مشروع از اجبار را محدود کند؛ به طوری که هیچ محملی برای دولت قابل قبول اخلاقی وی، برای نقض حقوق افراد وجود نداشته باشد. او در این زمینه می‌گوید: «این حقوق آنقدر مستحکم و دست‌نیافتنی‌اند که این سؤال را به وجود می‌آورند که آیا هر چیزی از دولت و مقامات آن ممکن است انجام شود، چقدر از فضای حقوق فردی به خاطر دولت کنار گذاشته می‌شود؟» (Nozick, 1974: ix).

۱.۳. نقطه عزیمت رابرت نوزیک در نظریات جان لاک

نوزیک با این فرض شروع می‌کند که یک سازمان حفاظتی آنارشیستی به طور اخلاقی و غیرتهاجمی عمل می‌کند، یعنی می‌کوشد با حسن نیت، درون محدودیت‌های قانون لاک عمل کند (Nozick,)

1. Meta-Utopia
2. dominant protective agency
3. ultraminimal state
4. minimal state

214: 1974). تنها دولت حداقلی که نوزیک در بهترین وجه آن را توجیه می‌کند، دولتی است که از یک جامعه سرمایه‌داری - آنارشیستی آینده برمی‌خیزد. وی برای توجیه نظریه دولت حداقلی خود به‌طور جدی این نظریه آنارشیستی را مهم تلقی می‌کند که «دولت، بنا به ضرورت، حقوق فرد را حتماً نقض می‌کند» و از این رو دولت «غیراخلاقی» است.

اشاره آغازین نوزیک در این کتاب آن است که افراد بشر حقوقی دارند و این اشارت آنقدر قوی و دور از دسترس است که این سؤال را مطرح می‌سازد که از دست دولت و دوائر آن اساساً چه کاری ساخته است؟ این مفهوم که از دولت هیچ کاری ساخته نیست، به معنای «آنارشی» است.^۱ آنارشی وضعیت مطلوب از امور مردمی است که بدون دولت و حاکمیت در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی کرده و کم و بیش با هم همکاری می‌کنند. آنارشی پدیده‌ای است که جان لاک و دیگر نویسندگان از آن به «وضع طبیعی» تعبیر می‌کنند. آنها چنین فرض می‌کنند که آنارشی امری طبیعی و فطری است و جامعه مدنی (جامعه تحت حاکمیت دولت) مصنوعی و ساختگی است (مکفرسون، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

در وضع طبیعی جان لاک، افراد در وضعیت آزادی کامل به سر می‌برند تا خواسته‌هایشان را برآورند و داشته‌هایشان را مرتب سازند و این کار را تحت الزامات قانون طبیعت انجام می‌دهند و هرگز منتظر خواست یا اراده فرد دیگری نمی‌مانند. الزامات قانون طبیعت این است که هیچ‌کس نباید به زندگی، سلامتی، آزادی یا دارایی دیگری صدمه بزند. لاک این مقررات را به شکلی معرفی می‌کند که به رسمیت شناخته شده‌اند و در وضعیت طبیعی، یعنی جایی که هیچ حکومتی اجرای آنها را تحمیل نمی‌کند، رعایت می‌شوند (مکفرسون، ۱۳۸۵: ۱۰۶). با این حال، برخی افراد از این الزامات تمرّد کرده، به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند و به یکدیگر آسیب می‌رسانند. در پاسخ مردم نیز ممکن است در برابر متجاوزان از خود دفاع نمایند. طرف مورد تجاوز یا عوامل آن می‌توانند از متجاوزان غرامت بگیرند تا حدی که رضایت آنان به نسبت میزان آسیبی که وارد گردیده جلب شود. هر کس این حق را دارد که متجاوز از قانون را تا حدی که منع خشونتش شود مجازات کند. هر شخص فقط و فقط تا حدی می‌تواند یک مجرم را به کیفر برساند که وجدان و عقل سلیم حکم می‌کند و کیفر باید متناسب با تجاوز باشد؛ به قسمی که موجبات جبران و جلوگیری از تجاوز فراهم شود.

از دید جان لاک، وضع طبیعی به جامعه مدنی منجر می‌شود، زیرا در این شرایط هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی امنیت خود را تأمین کند. افرادی که دچار ناراحتی ناشی از وضع طبیعی‌اند، وارد یک جامعه مترکم می‌شوند تا دولت حداقل را که شامل یک قانونگذار، قاضی و یا رئیس کلانتری است تشکیل دهند. پیوستن به چنین اجتماعی اجباری نیست. افراد ناپیوسته به این اجتماع می‌توانند شانه به شانه

۱. «آن» یک پیشوند منفی‌کننده در زبان یونانی است؛ اما در کلمه «آنارشی» به‌عنوان هرج و مرج و بی‌قانونی تعبیر نمی‌شود.

به عنوان اعضای جامعه مدنی در کنار هم زندگی کرده و صاحب حقوق حقه خود نیز باشند. جامعه مدنی البته از اعضای خویش در برابر آنان محافظت خواهد کرد، ولی این جامعه حق مجازات یا اخذ مالیات از آنان را ندارد (مکفرسون، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۹).

در مقابل، باید گفت که نوزیک در کتاب خود از «وضع طبیعی» آغاز می‌کند، اما نه آن وضع طبیعی که لاک مطرح می‌کند. در واقع دیدگاه لاک را از بعدی دیگر در مورد وضع طبیعی نقد می‌کند. لاک بر سوبه‌های منفی وضع طبیعی تأکید می‌کند و عدم تضمین صلح و تجاوز به حقوق افراد را از ویژگی‌های منفی و بد وضع طبیعی تلقی می‌کند و راه خارج شدن از وضع طبیعی را ایجاد دولت و جامعه مدنی می‌داند. نوزیک بر این باور است که پیش از تعقیب نظریه لاک به سمت جامعه مدنی، باید راه‌های علاج این گونه ناراحتی‌ها را بدون تشکیل یک دولت در قالب وضع طبیعی بررسی کرد (Nozick, 1974: 7). لاک اظهار می‌دارد که در وضع طبیعی فرد مورد تهاجم می‌تواند از دیگران کمک بخواهد. از این رو نوزیک بیان می‌کند که در وضع طبیعی باید سازوکارهای محافظت دوجانبه فراهم شود. این سازمان‌ها نیازمند روش‌هایی برای بررسی درخواست‌های کمک افراد خواهند بود. یک جامعه محافظتی دوگانه شبیه جامعه مدنی لاک خواهد بود، ولی کاملاً مشابه آن نیست. برخلاف ساده‌انگاری لاک، نوزیک به سادگی فرض نمی‌کند که یک چنین سازمانی در هر قلمروی کافی است.

نوزیک اعتقاد دارد که راه حل بهتری از نظریه لاک وجود دارد و آن «تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات برای حمایت متقابل» است که در این رابطه هر فردی برای عضویت در این انجمن‌ها می‌تواند پولی بدهد و به ازای پولی که می‌دهد مورد حمایت آن مؤسسه قرار می‌گیرد. البته ممکن است که در این ارتباط وضع به آنارشی کشیده شود (هرچند نوزیک از آن بیمی به دل راه نمی‌دهد) و وضع طبیعی مجدداً تجدید شده، ولی در عمل به تسلط یک انجمن بر انجمن‌های دیگر منجر می‌شود. منظور از تسلط، آن است که انجمن مسلط، واجد انحصار کاربرد زور است تا حیطة فعالیت دیگر انجمن‌ها را محدود کند.

به طور دقیق‌تر، نوزیک فرض می‌کند که هر انجمن یا سازمان حفاظتی و حمایتی ملزم است که حقوق مشتریان خود را در مقابل تهاجم و تخاصم، با بر عهده گرفتن حفاظت آنها در مقابل اقدامات متقابل، حفظ کند (Nozick, 1974: 15). اما این گونه بنگاه‌ها فاقد دو ویژگی انحصار و پوشش همگانی در ارائه خدمات به تمام افراد در قلمرو خود هستند (زالی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). در این حالت، رقابت بین این سازمان‌های حفاظتی، امری کاملاً محتمل است و منازعاتی بین مشتریان سازمان‌های حفاظتی متفاوت وجود دارد (Rothbard, 1977: 16).

در این میان، نوزیک ادعا می‌کند که یک سازمان حفاظتی حاکم یا انجمن مسلط در هر ناحیه‌ای به وجود خواهد آمد که در آن «تقریباً همه» افراد آن منطقه گنجانده می‌شوند. در اینجا ممکن است هنوز کسانی باشند که مستقل‌تر از آن‌اند که خدمات حفاظتی را از این سازمان حاکم بخرند. کسانی که تصمیم

گرفته‌اند که حقوق خود را تحقق بخشند. در اینجا نوزیک می‌گوید ما یک «دولت فراحداقلی» داریم که خدمات حفاظتی و اجرایی را تنها برای کسی تأمین می‌کند که خدمتش را بخرد. افراد همچنان آزادند تا عدالت شخصی را در یک دولت فراحداقلی عملی سازند (Nozick, 1974: 113-119).

۲.۳. از دولت فراحداقلی تا دولت حداقلی

نوزیک این امر را به شکل زیر می‌داند: قدرت قانونی یک مؤسسه سهل‌الوصول نیست؛ از این رو برخی افراد استخدام شده و برخی کارگشایان وارد مقوله فروش خدمات حفاظتی می‌شوند. آنها مجموعه‌های مختلفی را پیشنهاد می‌کنند؛ برای مثال داوری صرف یا داوری، اجرا و... قرارداد پیشنهادی توسط سازمان‌های حفاظتی نهایتاً از مشتریان یا موکلان خواهد خواست که هرگونه خودیاری یا خصومت شخصی را انکار کنند. چنین مقابله به مثلی موجب تلافی مجدد طرف یا آژانس مقابل شده و یک آژانس حفاظتی اصلاً مایل نیست که در آن مرحله اخیر وارد بازی دفاع از موکل خود در برابر تلافی مجدد شود و چنین آژانسی مایل نیست که به‌سادگی از دفاع در برابر تلافی چشم‌پوشی کند؛ زیرا برخی رقبا مجموعه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که ممکن است شامل این دفاع نیز باشد.

در نهایت آژانس‌های حفاظتی که به‌سبب مسائل تجاری برانگیخته شده‌اند، وارد قراردادی داوطلبانه با یکدیگر می‌شوند که در آن هریک از آژانس‌ها فعالیت خود را محدود به منطقه‌ای خاص می‌کنند. تصور کنید چند آژانس در محدوده خاصی فعالیت می‌کنند و موکلانشان با یکدیگر مخاصمه یابند و هر آژانس سعی در حمایت از موکل خویش داشته باشد. بی‌شک بین آژانس‌ها جنگ درخواهد گرفت. در موارد چنین اختلافاتی، یکی از آژانس‌ها چیره خواهد شد و موکلان آژانس دیگر مغلوب می‌گردند و یا اینکه آژانس‌ها یک سوپراژانس برای منطقه تشکیل می‌دهند که چنین اختلافاتی را داوری کرده و تصمیم خود را اجرا کند یا اینکه آژانس‌ها در هم ادغام شوند. به هر طریق سرانجام تمامی آنها به تشکیل یک آژانس حفاظتی واحد در منطقه خواهند رسید (Nozick, 1974: 55-56).

از آنارشی تحت فشار گروه‌بندی‌های خودانگیز، سازمان‌های محافظت دوگانه، بخش کار، فشارهای بازار، چارچوب‌های اقتصادی و خودخواهی مستدل، چیزی بسیار شبیه دولت حداقل یا گروهی از دولت‌های حداقل مجزا از لحاظ جغرافیایی درمی‌آید. چرا این بازار متفاوت از سایر بازارهاست؟ ارزش محصول خریداری شده، یعنی محافظت در برابر دیگران، امری نسبی است؛ یعنی بستگی به میزان قدرت دیگران دارد، ولی بر خلاف سایر کالاها که امکان ارزیابی آنها وجود دارد، خدمات رقابتی حفاظتی امکان همزیستی ندارند، زیرا ماهیت این خدمات، آژانس‌های متعدد را نه فقط وادار به رقابت برای جلب مشتریان می‌کند، بلکه موجب برخوردهای خشونت‌بار آنها با یکدیگر می‌شود. همچنین از آنجا که ارزشی کمتر از حداکثر محصول به طرز مناسبی با تعداد خریداران حداکثر کالا کاهش می‌یابد، خریداران برای

کالای کمتر به طور ثابت تسویه شده و شرکت‌های رقیب در یک مارپیچ در حال سقوط قرار می‌گیرند. در داستان بالا فرض بر این است که هریک از آژانس‌ها با حسن نیت سعی در عمل در محدوده قوانین جان لاک داشته باشد. ولی یک سازمان محافظتی باید در برابر سایر افراد بایستد. بر طبق قانون جان لاک این آژانس غیرقانونی خواهد بود.

در این شرایط، آژانس‌های حفاظتی مجزا از حیث جغرافیایی وجود دارد، ولی این هنوز یک دولت حداقل نیست. یک دولت مدعی انحصار به کارگیری قانونی زور در محدوده جغرافیایی و از حقوق تمام کسانی که در آن محدوده زندگی می‌کنند، در برابر زور غیرقانونی محافظت می‌کند. ولی هیچ دلیلی مشاهده نشده است که طی آن یک آژانس محافظتی حق منع خودیاری توسط غیرمشتریان یا تحمیل آن به عنوان یک وظیفه جهت محافظت از آنان را داشته باشد.

برای سیر از یک آژانس محافظتی غالب و بالفعل به یک دولت حداقل، بدون تضمین هیچ حقی، نوزیک «اصل جبران»^۱ را بدیهی می‌داند. این اصل بدین ترتیب تصریح می‌شود: «چنانچه من شما را از انجام عملی که کاملاً بدون ضرر و بر حق است بازدارم و بهانه من این باشد که این عمل ممکن است به من صدمه بزند، آنگاه باید به سبب ایجاد وقفه در کار شما عمل خود را جبران کنم. به خصوص چنانچه عملی که آن را متوقف کرده‌ام، امری طبیعی و عامه‌پسند و مهم برای زندگی مردم باشد و بدون ایجاد ضرر برای آنها قابل منع نباشد» (Nozick, 1974: 142).

آژانس حفاظتی غالب در یک منطقه می‌تواند منطقاً احتمال دهد که مشتریانش در معرض بروز بی‌عدالتی‌هایی از سوی غیرمشتریان باشند، مشروط به اینکه به غیرمشتریان اجازه و حق دفاع از خودشان داده شود. چنانچه یک مشتری یا موکل اشتباهاً به یک غیرموکل حمله کند و وی نیز در رد حمله موکل او را مجروح سازد، آسیب به موکلان ناعادلانه نخواهد بود؛ ولی غیرموکل ممکن است در اجرای حق دفاع از خودش مرتکب اشتباه شود و آژانس حفاظتی غالب تشخیص دهد که مشتریانش (موکلانش) باید در برابر خطرهای ناشی از این اشتباهات که ممکن است غیرموکلان در انجام حق دفاع از خود مرتکب شوند، محافظت گردند.

به عبارت روشن‌تر، افرادی که به دلیل این انحصار، از اعمال شخصی حق حفاظت از خویش محروم می‌شوند مستحق پرداخت غرامت هستند. از این رو آژانس‌های ارائه خدمات حفاظتی به دیگر اعضای جامعه (اعضایی که از این بنگاه خدمات نخریده‌اند) به غرامت محرومیت از حق شخصی حفظ امنیت، خدمات حفاظتی ارائه می‌دهند (Nozick, 1974: 101-113). نوزیک این بنگاه انحصاری را - که به تمام اعضای جامعه خدمات حفاظتی ارائه می‌کند و در عین حال، برای تأمین امنیت، حق اخذ

مالیات از تمام اعضای جامعه را ندارد^۱ - دولت حداقل می‌نامد (Nozick, 1974: 26-27). پس نوزیک در نهایت، در بخش نخست کتاب خود، استدلال می‌کند که بر خلاف تصور آنارشیست‌ها، دولت حداقل، دولت مشروع است.

این نظریه می‌تواند به‌منزله راه دیگری بر دیدگاه لاک در زمینه تبدیل وضع طبیعی به جامعه مدنی باشد. لاک چنین تجسم می‌کند که وقتی مردم از مشکلات وضع طبیعی آگاه شوند، با یکدیگر اتحاد حاصل کرده و قرارداد چندجانبه‌ای برای تشکیل یک آژانس اجرای قانون و پرداخت مالیات وضع می‌کنند. توافق ضمنی جهت توضیح نحوه الحاق هر کس به قرارداد انجام می‌شود. گروه‌ها تشکیل اتحادیه‌ای را می‌دهند و گروه‌ها یا اشخاص قراردادهایی را با محافظان منعقد می‌کنند. درحالی‌که در توسعه‌های آتی نیازی به جلب موافقت افراد نیست. آژانس‌های محافظتی تمام سرزمین را در بر گرفته و ضمن جلوگیری از خودیاری و محافظت از غیرموکلان، مالیات‌بندی دقیقی وضع می‌کنند که تمامی این تحولات با یا بدون جلب موافقت صورت می‌گیرد.

کوتاه سخن آنکه، این درست است که برخی محققان، نوزیک را در سلسله اصحاب قرارداد اجتماعی نمی‌دانند (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۵۱)، اما آنچه مسلم است، این است که وی برای توضیح و توجیه فرمان‌روایی دولت حداقلی خود، نقطه آغازین و عزیمت را قرارداد اجتماعی (وضع طبیعی و خروج از آن) قرار داده است که آشکارکننده چند نکته روشن است: اولاً دولت طبیعی نیست، بلکه پدیده‌ای است مصنوعی و از قرارداد و رضایت انسان‌ها به‌وجود می‌آید؛ ثانیاً انسان بالطبع مدنی، اجتماعی و سیاسی و عضو جبری اجتماع نیست، بلکه داوطلبانه و بر اثر اوضاع و احوالی که پیش می‌آید، سیاسی می‌شود. نوزیک برای توجیه اخلاقی دولت، به این نکته متوسل می‌شود که داشتن دولت موجب پیشرفت و ارتقاء نسبت به وضعیت طبیعی بدون دولت می‌شود. وضع طبیعی وضعیتی بی‌دولت است که افراد عموماً حدود اخلاقی را رعایت می‌کنند، اما فرض وجود داشتن دولت، به‌نظر نوزیک، باز ارتقایی نسبت به این وضع مطلوب خواهد بود؛ چون بدون اینکه اقدامات غیراخلاقی انجام شود، حقوق افراد و قراردادهای بهتر تضمین می‌شوند (Lacey, 2014: 54). بنابراین، حقوق افراد قبل از عضویت آنها در جامعه سیاسی و به‌صورت مستقل از دولت قابل تعریف است و دولت صرفاً ابزاری حداقلی برای حفظ این حقوق است.

۱. موضع نوزیک، به‌دلیل تأکید بر آزادی‌های وسیع اقتصادی، با موضع لیبرالیسم کلاسیک شباهت بسیاری دارد. ولی بر خلاف لیبرال‌های کلاسیک که - هرچند به شکل محدود - به دولت اجازه وضع مالیات برای تأمین هزینه خدمات عمومی را می‌دهند و این اقدام را گاه با شیوه‌ای نتیجه‌گرا توجیه می‌کنند، نوزیک با مبنای قراردادن حقوق طبیعی (تسلط بر نفس به‌عنوان حقی طبیعی) و مطلق انگاشتن آزادی‌های اقتصادی، هرگونه وضع مالیات در جهت منافع عمومی را نامشروع می‌داند (Tomasi, 2012: 47). از این موضع با نام لیبرتاریانیسم یاد می‌شود.

۳.۳. ویژگی‌های دولت حداقلی نوزیک

نوزیک استدلال می‌کند که افراد برای رهایی از مشکلات وضعیت طبیعی از همان ابتدا موجودیتی سیاسی به نام دولت را انتخاب نخواهند کرد. «یک تبیین دست نامرئی چیزی که به نظر می‌رسد محصول طراحی قصدمندانه شخصی باشد را به عنوان امری تبیین می‌کند که به نحوی ناخواسته پدید آمده است» (Nozick, 1974: 19). به طور خاص، در الگوی نوزیک، هیچ کس قصد ندارد، از طریق خرید خدمات حفاظتی، دولتی پدید آورد. مسئله نوزیک آن است که دولت را بدون استناد به مفاهیمی چون قدرت سیاسی، مرجعیت سیاسی و سلطه سیاسی توضیح دهد و این بر خلاف سنت قرارداد اجتماعی است. به بیان نوزیک: «این فرایند [فرایند تکوین دولت از دل آژانس‌های محافظ مسلط] چقدر همخوان است با آنچه لاک در خیال می‌آورد که افراد «با انسان‌های دیگر توافق می‌کنند که به هم بیوندند و در اجتماع با همدیگر متحد شوند» و می‌پذیرند که «یک اجتماع یا حاکمیت بسازند» و برای ساختن جامعه با هم قرارداد می‌بندند. این فرایند به هیچ وجه به توافق مشترک دسته‌جمعی برای ساختن حکومت یا دولت نمی‌ماند (Nozick, 1974: 132).

نوزیک از موضعی شبه‌آنارشستی به حقوق مطلق فردی به عنوان جوهر لیبرالیسم تأکید کرده است. به نظر او در لیبرالیسم جایی برای دولت به مفهوم رایج باقی نمی‌ماند و صرف وجود دولت موجب نقض حقوق فردی می‌شود. تنها دولت حداقلی، یعنی دولت محدود به وظایف بسیار معین و مشخص چون حمایت از شخص در برابر زور و خشونت و تضمین رعایت قراردادها، موجه است. دولت بزرگ‌تر از این، مخل آزادی‌ها و حقوق فرد است. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، نقطه عزیمت استدلال‌های نوزیک (مانند لاک و هابز) وضع طبیعی است ولی موردنظر او نه به بدی وضع هابز و نه به خوبی وضع موردنظر لاک است، بلکه بهترین وضع آنارشی ممکن است (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

از نظر نوزیک، دولت حداقلی دولتی است که هر کسی در آن می‌تواند دنبال اتوپیای شخصی خود برود. او تمایلات نوآنارشستی و دولت‌ستیز مدرن را به صورتی بسیار بارز بیان می‌کند، اما آنقدر بر آزادی فرد تأکید می‌کند که جایی برای کارویژه‌های دولتی باقی نمی‌ماند. به نظر نوزیک صرف وجود دولت موجب محدودیت در حقوق فردی است. به این ترتیب نوزیک در دفاع از دولت حداقلی، وظیفه چنین دولتی را تنها حمایت از فرد در برابر تجاوز دیگران می‌داند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۷۸).

به نظر نوزیک با توجه به تفاوت‌های موجود میان افراد، هیچ نظام واحدی که برای همه مطلوب باشد، قابل تصور نیست. اما دولت حداقلی وی چارچوبی است که در درون آن هر کس به دنبال خواسته‌های مطلوب خود می‌رود. در واقع اتوپیای یک جامعه از پیش تعیین شده نیست، بلکه جایی است که هر کس اتوپیای خود را بیابد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۵۳). به عقیده او هیچ دولت گسترده‌تری نمی‌تواند به

لحاظ اخلاقی موجه باشد. به همین ترتیب نمی‌توان افراد را وادار به انجام کارهای خاص کرد. نوزیک معتقد است که افراد با یکدیگر کاملاً متفاوت‌اند و هیچ اجتماعی وجود ندارد که کمال مطلوب همه مردم باشد (هلد، ۱۳۷۸: ۳۷۳).

این نظر بر شأن و شرافت ذاتی و مستقل هر انسان پای می‌فشارد و معتقد است که انسان به‌عنوان موجودی صاحب عقل، خودآگاهی و اختیار، شأن و منزلتی ذاتی دارد و نمی‌توان با او مثل یک شیء رفتار کرد یا اراده‌ی او را در جهت خاصی سوق داد. نوزیک در همین مسیر انسان‌ها را موجوداتی می‌داند که صاحب مالک خویش‌اند.^۱ این اندیشه که سابقه سیاسی آن لااقل به جان لاک می‌رسد، حاکی از آن است که افراد صاحب خویش‌اند. صاحب بدن‌ها، توانایی‌ها و تخصصشان و به اعتباری صاحب حاصل کار و تخصصشان. در واقع فرد صاحب همه آن چیزهایی است که یک برده‌دار مدعی است نسبت به بردگان، صاحب آنهاست. اگرچه نظریه مالکیت بر خویش در واقع بردگی را پدیده‌ای خلاف حق و قانون می‌شمارد و آن را فاقد توجیه استوار می‌داند. در واقع بسیاری از لیبرتارین‌ها دلیل می‌آورند که جز با پذیرفتن اصل مالکیت بر خویش، هیچ راهی برای تبیین و توضیح این مطلب وجود نخواهد داشت، اگرچه برده‌داری بد است.

مسئله برده‌داری نزد نوزیک امری صرفاً تاریخی نیست، زیرا وی رابطه دولت‌های حداکثری مالیات‌گیر با شهروندان را در قالب اصطلاحات مربوط به برده‌داری که شکل نوینی پیدا کرده است تحلیل می‌کند (Nozick, 1974: 169). اما اگر افراد دارای منزلتی ذاتی‌اند، (طبق باور کانت) و صاحب خویش، به تعبیر نوزیک این نتیجه به دست می‌آید که آنها حقوقی دارند، به‌ویژه (به پیروی از لاک) حقوق مربوط به حیات، آزادی و ثمرات کار و تلاششان. نوزیک تصریح می‌کند که این حقوق به‌گونه‌ای هستند که بر اعمال و رفتار دیگران نسبت به فرد موانع و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. مثلاً حیات این محدودیت و مانع را برای دیگران و حریم امنیت برای فرد را ایجاد می‌کند که دیگران از نظر اخلاقی حق ندارند او را بکشند یا اعضای بدنش را با اعمال زور جدا کنند و به بدن شخص دیگری پیوند زنند (Nozick, 1974: 172).

مطلب تا اینجا مناقشه‌انگیز به نظر نمی‌رسد؛ مسئله‌ای که در اینجا موجب مناقشه و اختلاف نظر شده، این است که نوزیک اخذ مالیات را نیز اخلاقاً جایز نمی‌شمارد و آن را در زمره بهره‌گیری نابجا از حاصل کار و تلاش افراد محسوب می‌کند. طبق این دیدگاه، اخذ مالیات از طرف دولت در حکم برده‌داری عمل می‌کند؛ بنابراین استدلال که دولت با در اختیار گذاشتن منافعی از قبیل امنیت اجتماعی، رفاه و نظایر آنها به شهروندان، این اجازه و این حق را به آنها می‌دهد که از بخشی از حاصل زحماتشان بهره ببرند؛ یعنی شهروند در این نوع نظام صاحب قسمتی از زحمات شما می‌شود و این با اصل مالکیت بر خویش ناسازگار است. بر این اساس برنامه‌های گوناگون دولت رفاه لیبرال غیراخلاقی است؛ نه تنها به این دلیل که ناکافی

و ناقص‌اند، بلکه به این سبب که آنها شهروندان چنین حکومتی را برده می‌سازند. در واقع تنها نوع دولت که بنابر نظر نوزیک توجیه اخلاقی دارد، همان دولت حداقلی یا دولت شبگرد است؛ دولتی که به دید او به حمایت سیاسی و نظامی از شهروندان می‌پردازد، اما نباید در شیوه‌های زندگی مردم دخالت کند. چنین دولتی به عقیده نوزیک نمی‌تواند به دیگران دیکته کند که چه بخورند و چه بپوشند. زیرا چنین کاری با اصل مالکیت فرد بر بدن خویش منافات دارد. همچنین نمی‌تواند چیزهایی که شهروندان می‌نویسند یا می‌خوانند تحت کنترل داشته باشد. خلاصه آنکه دولت حداقلی نوزیک اصولاً نمی‌تواند و نباید کاری با فکر و فرهنگ مردم داشته باشد. اما چنین دولتی چنانکه برایان مگی خاطر نشان کرده ربط چندانی به واقعیات موجود ندارد، اگرچه شاید به عنوان یک الگوی نظری در فلسفه سیاسی بتواند مطرح شود.^۱ آیا دولت حداقلی نوزیک به آنارشیسم و هرج و مرج نمی‌انجامد؟ گفته‌اند که فعالیت‌های حق یک دولت حداقلی مستلزم اخذ مبلغی مالیات است. آیا این حد از اخذ مالیات در رده نوعی برده‌داری قرار نمی‌گیرد؟ نوزیک این‌گونه فکر نمی‌کند. او بر آن است که حتی اگر یک جامعه پر هرج و مرج هم وجود داشته باشد، نه تنها امکان ظهور یک دولت حداقل در آن وجود دارد که حقوق افراد را از بین نبرد، بلکه چنین دولتی اخلاقاً نیز باید به وجود آید (جانسون، ۱۳۸۹).

۴.۳. آرمانشهر نوزیک

هدف بخش پایانی کتاب *آنارشی، دولت و آرمانشهر*، اثبات این مهم است که دولت حداقلی صرفاً مشروع و منصف نیست؛ بلکه الهام‌بخش نیز است. این هدف با طرح چارچوبی برای آرمانشهر به وجود می‌آید که توجه به این چارچوب کاملاً وابسته به دولت حداقلی است (Nozick, 1974: 333). با این وجود نوزیک همچنین می‌گوید که این چهارچوب ممکن است دارای «اقتدار مرکزی» نباشد (Nozick, 1974: 329)، ولی در عین حال وابسته به دولت حداقلی است، زیرا یک ساختار نهادینه است که آرامش را همزمان در میان جوامع شکل گرفته داوطلبانه به وجود می‌آورد. این ساختار از استقلال جوامع و آزادی آنها برای عضوگیری حمایت می‌کند و نیز از آزادی افراد برای ورود و خروج از جوامع مذکور، آن‌گونه که آنها انتخاب می‌کنند حمایت می‌کند.

این چارچوب الهام‌بخش است به سبب روشی که به شناسایی هویت افراد و مشارکت آنها در جامعه و دیگر شبکه‌های ارتباطی برمی‌گردد که از طریق آنها، جوامع و شبکه‌های ارتباطی معنادار می‌شوند. این امر برای درک انسان‌ها از انواع جوامع و بهترین وجه سازگاری این جوامع با انسان‌ها در عمیق‌ترین مفهوم، الهام‌بخش است و به افراد در کشف و دخالت آنها در زندگی اجتماعی به نحوی که بتواند موجب

۱. ر.ک: مگی، برایان، فلاسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

افزایش رفاه شود، کمک می‌کند. علاوه بر این بسیاری از افراد ممکن است این چارچوب را نه صرفاً به‌عنوان روشی که سلامتی و سعادت آنها را بالا می‌برد، بلکه به‌عنوان اسلوبی برای مشارکت در موفقیت دیگران و شکوفایی استعدادهای آنها مدنظر قرار دهند (Lomasky, 2002: 59-82).

به گمان نوزیک، در میان همه نظام‌های سیاسی، تنها نظام مبتنی بر دولت حداقلی است که می‌تواند زمینه را برای آنکه هر شخص یا گروه دیدگاه خود را راجع به جامعه نیک تحقق بخشد فراهم سازد. اغلب عقیده بر این است که لیبرتاریسیسم مستلزم آن است که هر فرد باید بر پایه اصول سرمایه‌داری رفاه‌جویانه زندگی کند. در مقابل برخی از جمله «ادوارد فسر»^۱ معتقدند که چنین نیست. بنابراین دیدگاه دوم، لیبرتاریسیسم صرفاً مستلزم آن است که فرد به هر نظام و دیدگاه معتقد باشد، نباید آن را به زور بر هیچ‌کس دیگر بدون رضایت وی تحمیل کند (Feser, 2004: 91-114). اگر افراد یا گروه‌هایی بخواهند طبق اصول و مبانی سوسیالیست یا مساوات‌طلبانه زندگی کنند، مطابق با اندیشه نوزیک، می‌توانند چنین کنند، اما این نباید مستلزم آن باشد که مردم تحت زور و فشار قرار گیرند تا در استقرار چنین جامعه و حکومتی شرکت کنند. به گمان نوزیک دولت حداقلی بدین ترتیب چارچوبی برای اتوپیا یا جامعه آرمانی فراهم می‌کند و نظامی فراگیر ایجاد می‌کند که در درون و حد و مرزهای آن هر تعداد روایت اجتماعی، اخلاقی و دینی از جامعه آرمانی می‌تواند تحقق پیدا کند. به گمان نوزیک حکومت و نظامی که وی الگوی آن را پیش نهاده است، این قدرت را دارد که گروه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، دینی و جز آنها را در کنار هم قرار دهد و زندگی توأم با صلح را مستقر سازد و این به دید وی دلیل دیگری در تأیید این دیدگاه است (فرزانه، ۱۳۸۲: ۲۲).

به نظر می‌رسد که نوزیک در نوشتن این فصل از کتاب خود به دور از اندیشه‌های خیالی نبوده است و البته خود نیز آن را انکار نمی‌کند. نوزیک در این زمینه می‌نویسد که موضوع این آخرین فصل کتاب او «بهترین همه دنیاها ممکن است» (Nozick, 1974: 330). اینکه صفت عالی «بهترین دنیای ممکن» تا چه حد در جامعه، ما به ازای عینی برای تحقق دارد، مسئله‌ای است که جای تردید دارد. ولی به هر حال، برای نوزیک این مسئله یعنی «دولت حداقلی»، الهام‌بخش او در توصیف آرزوهایش بوده است. اینکه در همین فصل نوزیک می‌گوید «اتوپیا از اتوپیاها تشکیل خواهد شد» و این حکم که «هیچ‌کس نمی‌تواند تصویر اتوپیایی خاص خود را بر دیگران تحمیل کند» (Nozick, 1974: 335)، در واقع منتهی‌الیه تکریم و ستایش از فرد است و از این نظر او به آموزه‌های آنارشی‌گری وفادار بوده است.

1. Edward C. Feser

۴. نقدهای وارد بر تئوری دولت حداقلی نوزیک

یکی از مسائل اصلی اندیشه نوزیک، تبدیل دولت فراحداقلی به دولت حداقلی است، بدون اینکه حقوق همگان زیر پا گذاشته شود و این شامل مالکان سازمان‌هایی که از بازار حذف شده‌اند و مشتریان آنها هم می‌شود. تلاش‌های نوزیک برای توجیه اینکه چگونه یک دولت فراحداقلی که در چارچوب نظم اجتماعی پدید آمده است می‌تواند بدون زیر پا گذاشتن حقوق به یک دولت حداقلی تبدیل شود، توسط بعضی منتقدان به‌عنوان تلاش‌هایی ناقص، غیرقانع‌کننده و ناموفق تلقی شده است.

نوزیک بر این باور است که استدلال‌های دولت حداقلی را توجیه می‌کند و اینکه هر چیزی بیشتر از دولت حداقلی، حقوق طبیعی را نقض می‌کند. او استدلال کرده است که دولت حداقلی می‌تواند بدون زیر پا گذاشتن حقوق افراد پدید آید. هر دولت بزرگی می‌تواند از زور برای تأمین هزینه و تبلیغ خدماتی که بعضی از مردم نخواهند خواست، استفاده کند.

بسیاری از افرادی که اثر نوزیک را خوانده‌اند با این ادعای او که دولت حداقلی می‌تواند بدون هرگونه نقض حقوق به‌وجود آید، گیج شده‌اند. آنها مشاهده می‌کنند که حقوق مالکیت مشتری‌های رقبای سازمان اصلی با ممنوع بودن استفاده از منابعشان برای اینکه امنیت را از سازمانی که خود انتخاب می‌کنند بخرند، زیر پا گذاشته شده است. آنها معتقدند که مبادله آزاد سرکوب شده، حق قرارداد محدود شده است، حق افراد مستقل برای اینکه از خودشان دفاع کنند نقض شده است و افراد مستقل به‌عنوان هدف مطرح نشده‌اند. منتقدان نوزیک دولت حداقلی او را صرفاً به‌عنوان یک اخاذی تلقی می‌کنند که امنیت را بر مشتریانش تحمیل کرده است (یانکینس، ۱۳۹۳: ۲۲).

برخی متفکران غربی نیز نقدهایی جدی بر تئوری دولت حداقل نوزیک وارد کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها به‌اختصار اشاره می‌شود.

۱.۴. رودریک لانگ

رودریک تی لانگ^۱ از معروف‌ترین منتقدان رابرت نوزیک است و معتقد است که معمول‌ترین و عجیب‌ترین جریان نقد بر کتاب *آنارشی، دولت و آزمانشهر* این است که این کتاب به‌سادگی بر وجود حقوق لیبرترین تأکید دارد، ولی بحثی برای آن ارائه نمی‌کند. از سوی دیگر، نوزیک هیچ دلیلی بر اینکه کار اجباری به‌خودی‌خود ناعادلانه است اقامه نکرد. بی‌عدالتی در کار اجباری ماهیتی بود که بیشتر مخالفان وی نیز از قبل آن را قبول نداشتند و بر همین اساس نشان دادن اینکه اخذ مالیات هم‌تراز با کار اجباری است، یک بحث حساس در برابر عدالت در اخذ مالیات است (Long, 2018: 30-33). به‌عبارت دیگر، نوزیک اخذ

1. Roderick T. Long

مالیات را اخلاقاً جایز نمی‌داند و چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، آن را در زمره بهره‌گیری نابجا از حاصل کار و تلاش افراد محسوب می‌کند. به بیانی دیگر، وی مدعی است که اخذ مالیات از سوی دولت در حکم برده‌داری است و این امر با اصل مالکیت بر خویش ناسازگار است. با همین استدلال است که وی بیشتر برنامه‌های دولت رفاه را غیراخلاقی می‌داند و مدعی است که دولت‌های رفاه شهروندان را به بردگی می‌کشاند و در نتیجه تنها دولتی که از نظر نوزیک توجیه اخلاقی دارد، دولت شبگرد یا حداقلی است. حال بحث مهم و ابهام اساسی در اینجا است که حتی دولت حداقل نیز مستلزم اخذ مبلغی مالیات است و با این مبنا که اخذ مالیات در رده برده‌داری است، توجیه اخلاقی نوزیک برای دولت حداقلی با تناقض مواجه می‌شود. هرچند که پیشتر به پاسخ نوزیک به این مسئله اشاره شد، اما این ابهام کماکان به قوت خود باقی است. نوزیک به همین ترتیب به محکوم کردن دموکراسی بی‌قیدوشرط به‌عنوان شکلی از برده‌داری می‌پردازد؛ زیرا داشتن ده هزار ارباب به‌جای «فقط یکی»، تنها مساوی با تغییر رئیس است (Nozick, 1974: 291). در اینجا نیز نوزیک دلیلی برای بی‌عدالتی برده‌داری اقامه نمی‌کند، ولی از آنجا که منتقدانش خود مخالف برده‌داری هستند، به‌ندرت قادر به رد نقد وی از دموکراسی بی‌پایه هستند (Long, 2018: 30-33).

۲.۴. موری روتبارد

موری نیوتن روتبارد^۱ نیز یکی دیگر از منتقدان جدی رابرت نوزیک است که مقاله مفصلی در خصوص نقد مفهوم دولت از منظر نوزیک به رشته تحریر درآورده است. نخستین نقد او بر عبارت «غیرتهاجمی» بودن سازمان‌های حفاظتی مدنظر نوزیک وارد شده است. روتبارد استدلال می‌کند که چنانچه بر اساس گفته‌های نوزیک منازعاتی بین مشتریان سازمان‌های حفاظتی متفاوت به‌وجود آید و احتمالاً به‌دعوی فیزیکی بین سازمان‌ها منجر شود، این سناریوها فرض خود نوزیک را درباره «حسن نیت» و «غیرتهاجمی بودن» نقض می‌کند. رفتارهای غیرتهاجمی به‌وسیله هر کدام از سازمان‌های وی که رخ دهد، با این فرض در تناقض است، زیرا در هر نزاعی به‌طور مشخص حداقل یکی از سازمان‌ها مرتکب تهاجم شده است (Rothbard, 1977: 46).

علاوه بر این، از نظر اقتصادی، این امر کاملاً پوچ و مضحک است که انتظار داشته باشیم سازمان‌های حفاظتی به نبرد فیزیکی با یکدیگر برخیزند؛ چنین نزاعی مشتریان را منحرف خواهد کرد و در عین حال هزینه‌های گزافی را نیز بر افراد تحمیل می‌کند. نمی‌توان تصور کرد که در بازار، سازمان‌های حمایتی نتوانند برای حل اختلافات خود، روی دادگاه‌های اولیه یا داورانی طرفینی به توافق برسند. در حقیقت، بخشی از خدمات حمایتی یا قضایی مهم که یک سازمان خصوصی به مشتریان خود

1. Murray Newton Rothbard

ارائه می‌کند، این است که نزاع‌های افراد را از طریق دادگاه‌های بدوی یا ارجاع امر به داوران خصوصی حل و فصل کند (Rothbard, 1977: 46).

روتبارد در ادامه به بحث ایجاد سیستم قضایی فدرال یکپارچه برای حل و فصل منازعات میان سازمان‌های خصوصی حفاظتی و متعاقباً ایجاد یک سازمان حفاظتی غالب که مبنای استدلال نوزیک است، نقد وارد می‌کند و با استناد به برخی از شواهد و واقعیت‌های تاریخی در ایالات متحده آمریکا و اروپا اثبات می‌کند که رقابت‌های میان مشتریان لزوماً به ایجاد یک سازمان غالب منجر نخواهد شد.

۳.۴. روی چایلدز

نظیر نقدهای روتبارد را «روی آلن چایلدز»^۱ نیز بر نوزیک وارد می‌کند و با نگاهی آنارشیستی مدعی می‌شود: «...حتی اگر هم این چنین بود، احتمال نداشت که یک سیستم فدرالی یکپارچه شود. ... این مشروع نیست که تمام خدمات حفاظتی را گرد هم جمع کنیم و آن را یک انحصار متحد بنامیم تا اینکه بخواهیم همه تولیدکنندگان غذا در بازار را با هم جمع کنیم و بگوییم که آنها یک سیستم جمعی یا انحصار تولید غذا دارند» (Childs, 1977: 25).

علاوه بر این، چایلدز در ادامه دغدغه‌های خود را در خصوص برخی دیگر از وجوه دموکراتیک دولت حداقلی نوزیک بیان می‌کند و خاطرنشان می‌سازد، دولت حداقلی که نوزیک می‌کوشد آن را توجیه کند یک دولتی است که به وسیله شرکت‌های غالب خصوصی حاکمیت پیدا می‌کند؛ هیچ نوع توضیح یا توجیهی در کار نوزیک برای اشکال مدرن رأی‌دهی، دموکراسی، کنترل و توازن وجود ندارد (Childs, 1977: 27).

۴.۴. نقد کلی بر اندیشه نوزیک

به نظر می‌رسد که انسانی که مدنظر نوزیک است، موجودی واقعی نیست که در متن حیات و روابط اجتماعی ساخته می‌شود، بلکه موجودی خیالی و ابداعی به نام فرد است که هویتی مستقل از اجتماع دارد که تصور می‌شود می‌تواند با به کارگیری عقل عملی منفرد اصول اخلاقی خود را تعریف کند. به اعتقاد نوزیک، فرد انسانی دارای حقوقی اجتناب‌ناپذیر و سلب‌نشده است و ایده خیر و نفع اکثریت یا خیر عمومی نمی‌تواند توجیهی برای نقض آن فراهم سازد. بر اساس رویکرد غایت‌گرایی اجتماعی، ایده خیر، مقدم بر ایده حق است؛ یعنی خیر و مصلحتی که از سوی جمع و اجتماع تعیین می‌شود، تعیین‌کننده حقوق افراد و حدود و ثغور آنها خواهد بود. برای مثال حق آزادی بیان در این دیدگاه دیگر حقی مطلق نخواهد بود، بلکه خیر عمومی و مصالح اجتماع می‌تواند اندازه و حدود و ثغور این حق را مشخص سازد؛

1. Roy Alan Childs

از این رو برای مثال، احترام به مقدسات جامعه بر این حق مقدم خواهد بود. اینجاست که برخی از اندیشمندی مانند مکینتایر^۱ در نقد اندیشه رابرت نوزیک، با رویکرد غایت گرایی متافیزیکی خود بر مفهوم آسیب پذیری انسان و وابستگی انسان‌ها بر هم در طول حیات خود تأکید دارد. به اعتقاد وی، فلسفه مدرن به این واقعیت که آسیب پذیری ویژگی عام حیات انسانی است، توجه کافی نداشته است. آسیب پذیری مختص به دوره کودکی و کهنسالی نیست، بلکه انسان‌ها در طول زندگی خود آسیب پذیرند، هر چند در این دو دوره این ویژگی بروز بیشتری دارد (MacIntyre, 2006: 138).

دیدگاه نوزیک، توجه افراطی به حقوق فردی دارد و به اندیشه برابری و عدالت بی توجه بوده است. همین اندیشه است که زمینه ساز تکوین دولت‌های سرمایه داری نئولیبرال بوده است؛ هر چند چنین نظریه‌هایی در عمل و پس از مواجهه با واقعیات زندگی از جمله شکاف طبقاتی خود را تعدیل می‌کنند. از جمله شاهدیم که نوزیک قید شرط لاکي را بر نظریه عدالت استحقاقی خود می‌پذیرد، اما ظاهراً این قید کاربردی حداقلی دارد و مشخص نیست نابرابری باید به چه حد برسد تا این قید کاربرد پیدا کند. نظریه عدالت نوزیک به نتایج و الگوی توزیعی مالکیت بی توجه است و فقط شیوه ایجاد مالکیت را مهم می‌داند که آیا بر اساس کار و رضایت بوده است یا خیر. اینکه در عمل چه الگویی حاکم شود و چقدر نابرابری ایجاد شود، به نظر وی ربطی به مقوله عدالت ندارد. تنها شرطی که وی می‌پذیرد همان شرط لاکي است. به نظر وی، یک مالکیت عادلانه است اگر «به قدر کافی اثر خوبی برای دیگران» باقی بگذارد.

روشن است که چنین دیدگاهی مبتنی بر فردگرایی هستی‌شناسانه است، اینکه افراد اساساً از هم جدا و مستقل‌اند و دارای حقوقی خودبنیاد و مستقل از هم‌اند. شرط لاکي نوزیک نیز در عمل بسیار مبهم است و مشخص نیست حدی که نوزیک برای مداخله دولت و توزیع ثروت تعیین می‌کند، کجاست. بنابراین، شاهد هستیم که انسان‌شناسی فردگرایانه نوزیک، به نظریه خاصی از عدالت منتهی می‌شود و همین مبانی فردگرایانه است که مورد انتقاد است.

۵. نتیجه

نظر به مطالب پیش گفته، نتایج این تحقیق به شرح ذیل خواهد بود:

۱. رابرت نوزیک کتاب *آنارشی، دولت و آرمانشهر* خود را در نقد نظریه عدالت جان راولز نوشت و در مقابل نظریه عدالت توزیعی، بر تئوری عدالت استحقاقی پای فشرد و با این مبنا اثبات نمود که این اجرای این تئوری نیازمند دولت گسترده‌تری نیست و به این ترتیب تمام تئوری‌های دیگر مثل نظر راولز را که درصدد توجیه دولت رفاه بوروکراتیک بودند به چالش کشید.

۲. نوزیک در نظرهای خود همواره به بنیادهای آنارشیستی وفادار است و از این رو رهیافت‌هایی مانند: «آزادی فردی»، «عدالت»، «مالکیت خصوصی» و «بازار آزاد» در نظر او اهمیت فراوانی دارند. او معتقد است که آزادی فردی مهم‌ترین عنصر است و مانند بسیاری از پیروان مکتب لسه فر، عدالت را همان دست نامرئی در بازار آزاد می‌داند.

۳. نوزیک همانند لاک نقطه عزیمت خود را «وضع طبیعی» قرار می‌دهد، اما نگاه او کمی با لاک متفاوت است. او به اندازه لاک به وضع طبیعی و سیر تکوین جامعه مدنی خوش‌بین نیست و مواردی مانند: عدم تضمین صلح و امنیت و احتمال تجاوز و تعدی به حقوق افراد را بدترین ویژگی وضع طبیعی می‌داند. پیشنهاد او برای عبور از وضع طبیعی به جامعه مدنی، تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌هایی برای حفاظت متقابل افراد است.

۴. او در برخی موارد ادعاهای آنارشیست‌ها علیه دولت را نمی‌پذیرد و در مقابل از یک دولت حداقلی که خود را محدود به حفظ قانون و نظم می‌کند، حمایت می‌کند. از نظر او این دولت باید تکافوی حفاظت در برابر خشونت، سرقت و ضمانت‌اجرای قراردادها را کند. در سیر اندیشه نوزیک، انجمن‌های حفاظتی، به دولت فراحداقلی و در نهایت به تشکیل دولت حداقلی منجر می‌شوند.

۵. اندیشمندان گوناگون نقدهای فراوانی را در خصوص: چگونگی تبدیل یک انجمن حفاظتی غالب، بدون زیر پا گذاشتن حقوق افراد به دولت حداقلی، تشبیه اخذ مالیات به برده‌داری و در عین حال نیاز دولت حداقلی به اخذ میزانی از مالیات، نبود دغدغه‌های مربوط به دموکراسی و ... بر نوزیک وارد کرده‌اند. ۶ در مجموع به نظر می‌رسد که این تئوری بهتر از نظریه لاک بر تاریخ منطبق است. این تئوری اجتماع عامه مردم در ارتباط با مشکلات وضع طبیعی را بدیهی نمی‌شمرد و دولت به تدریج گسترش می‌یابد. در عین حال این تئوری متضمن هیچ تعهد اخلاقی جهت اطاعت از دولت نیست. طبق نظریه لاک، در خصوص توافق ضمنی، چنانچه قانون‌شکنی صورت گیرد، اخلاقاً کار ناشایستی انجام شده و عهده‌ای که جهت اطاعت از دولت بسته شده، نقض شده است؛ اما طبق نظریه نوزیک، هیچ توافق یا تکلیف برای اطاعت (با وجود تعهد دوجانبه برای رعایت حقوق طبیعی دیگران) وجود ندارد. اما نقد جدی وارد بر اندیشه نوزیک آن است که انسان مدنظر او، موجودی خیالی و ابداعی به نام فرد است که هویتی مستقل از اجتماع دارد که تصور می‌شود می‌تواند با به‌کارگیری عقل عملی منفرد اصول اخلاقی خود را تعریف کند. از این رو همین توجه افراطی به حقوق فردی سبب شده است که او به اندیشه برابری و عدالت بی‌توجه بوده است. همین اندیشه است که زمینه‌ساز تکوین دولت‌های سرمایه‌داری نئولیبرال بوده است و در عمل پس از مواجهه با واقعیات زندگی از جمله شکاف طبقاتی، خود را تعدیل می‌کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بشیریه، حسین (۱۳۷۹). *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: سمت.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). *دولت عقل (ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی)*. تهران: علوم نوین.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۸). *دولت و جامعه مدنی: گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی*. قم: نقد و نظر.
۴. توحیدفام، محمد (۱۳۸۱). *دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن*. تهران: روزنه.
۵. جین، همپتن (۱۳۸۰). *فلسفه سیاسی*. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
۶. راولز، جان (۱۳۸۳). *عدالت به مثابه انصاف*. ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۷. قادری، حاتم (۱۳۸۷). *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: سمت.
۸. کلارک، باری (۱۳۹۴). *اقتصاد سیاسی تطبیقی*. ترجمه عباس حاتمی، چ دوم، تهران: کویر.
۹. لנסاف، مایکل هری (۱۳۸۰). *فیلسوفان سیاسی قرن بیستم*. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: کوچک.
۱۰. مارش، دیوید (۱۳۸۷). *روش و نظریه در اندیشه سیاسی*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. مگی، برایان (۱۳۷۷). *فلاسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب*. ترجمه عزت‌اله فولادوند، چ دوم، تهران: خوارزمی.
۱۲. نوزیک، رابرت؛ سن، آمارتیا و والزر، مایکل (۱۳۹۴). *لیبرالیسم و مسئله عدالت*. ترجمه محمد ملاحباسی، چ اول، تهران: ترجمان علوم انسانی.
۱۳. هلد، دیوید (۱۳۷۸). *مدل‌های دموکراسی*. ترجمه عباس مخیر، تهران: مطالعات زنان.
۱۴. همپتن، جین (۱۳۸۰). *فلسفه سیاسی*. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

ب) مقالات

۱۵. امیری طهرانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). *تطبیق نظریه عدالت از دیدگاه صدر و نوزیک*. *دوفصلنامه غرب‌شناسی بنیادی*، ۱۱(۱)، ۱۹-۴۱.
۱۶. پلانت، ریموند (۱۳۸۳). *نوزیک؛ نظریه استحقاق در باب عدالت*. ترجمه حسنعلی زیدانلو، *مجله تخصصی دانشکده علوم اسلامی رضوی (آموزه‌های فلسفه اسلامی)*، ۴(۴)، (پیاپی ۱۲)، ۱۴۳-۱۶۰.
۱۷. جانسون، آر. ان. (۱۳۸۹). *مروری بر آرای رابرت نوزیک*. مترجم: مجید بی‌باک، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۲۲۱۶، تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۰.
۱۸. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۶). *ملک معنی در کنار گفتاری در فلسفه حقوق مالکیت فکری*. *فصلنامه حقوق*، ۳۷(۲)، ۴۱-۸۲.
۱۹. دادگر، یداله، آرمان مهر، محمدرضا (۱۳۸۸). *بررسی و نقد مبانی عدالت اقتصادی رالز*. *پژوهشنامه علوم*

- اقتصادی، ۹(۲)(پیاپی ۳۵)، ۳۷-۶۰.
۲۰. زالی، مصطفی (۱۴۰۰). دست پنهان یا قرارداد اجتماعی: نوزیک، رالز و مسئله عدالت توزیعی. *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، (۸۴/۱)، ۱۱۱-۱۳۰.
۲۱. فرزانه، حمیدرضا (۱۳۸۲). فضیلت‌های دولت شبگرد. *همشهری*، (۲۲۶۳)، ۲۲ شهریور.
۲۲. لطفی، حسن (۱۳۹۷). مبنای دخالت دولت در قراردادها: عدالت تصحیحی یا توزیعی؟. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، (۳)، ۵۴۷-۵۶۷.
۲۳. مکفرسون، سی. پی. (۱۳۸۵). جان لاک و رساله‌ای در باب حکومت. ترجمه حمید عضدانلو، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. (۳۳۴)، ۱۰۲-۱۱۳.
۲۴. نوری‌زاده، اکرم و شاقول، یوسف (۱۳۹۳). «بررسی نقدهای مایکل ساندل و رابرت نوزیک بر ناسازگاری اصل تفاوت و فردگرایی در نظریه جان رالز. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱)۵، بهار و تابستان، ۱۳۳-۱۶۰.
۲۵. هرمن هوپ، هانس (۱۳۹۰). موری روتبارد: اقتصاد، علم، آزادی. ترجمه محسن رنجبر، *روزنامه دنیای اقتصاد*، (۲۵۷۲)، ۱۳۹۰/۱۱/۸.
۲۶. یانکینس، ادوارد (۱۳۹۳). ساختار لیبرترین رابرت نوزیک برای اتوپیا. ترجمه مرتضی افشاری، *ماهنامه فلسفه نو*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، شهریور، انتشار اینترنتی.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Feser, E. (2003). *On Nozick. Belmont*. Calif.: Wadsworth.
2. Foner, P. (1945). *The Complete Writings of Thomas Paine*. Vol.1, New York: Citadel Press.
3. Lacey, R. (2014). *Robert Nozick*. New York: Rutledge
4. Lomasky, L. (2002). *Nozick's Libertarian Utopia*. in Schmidtz.
5. Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books.
6. Tomasi, J. (2012) *Free Market Fairness*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

B) Articles

7. Barnett, R. E. (1977). Whither Anarchy? Has Robert Nozick Justified the State?. *Journal of Libertarian Studies 1* (Winter), 15-22.
8. Childs, Roy A. Jr. (1977). The Invisible Hand Strikes Back. *Journal of Libertarian Studies 1* (Winter), 23-33.
9. Davidson, J. D. (1977). Note on Anarchy, State, and Utopia. *Journal of Libertarian Studies 1*, (4) (Fall), 341-348.
10. Feser, E. (2004). self-ownership, abortion, and the rights of children: toward a more conservative libertarianism. *Journal of Libertarian Studies*, 18(3) (Summer), 91-114.
11. Long, R. (2010). Robert Nozick, Philosopher of Liberty. *Ideas on Liberty*. 52.9 (September): 30-33. Available online at: http://www.fee.org/pdf/the_freeman/long0902.pdf

12. Mack, E. (2014). Robert Nozick's Political Philosophy. Stanford Encyclopedia of Philosophy. First published Sun Jun 22, 2014, Available online at: <http://www.plato.stanford.edu>.
13. MacIntyre, A. (1978). How to Identify Ethical Principles. In The Belmont Report: *Ethical Principles and Guidelines for the Protection of Human Subjects of Research I*, Washington: DHEW pub. no. (OS) 78-0013. 1-10.
14. Paul, J. (1977). Nozick, Anarchism and Procedural Rights. *Journal of Libertarian Studies 1*, (4) (Fall), 337-340.
15. Rothbard, M. N. (1977). Robert Nozick and the Immaculate Conception of the State. *Journal of Libertarian Studies*, (1) (Winter), 45-57.
16. Sanders, J. T. (1977). The Free Market Model Versus Government: A Reply to Nozick. *Journal of Libertarian Studies 1* (Winter), 35-44.
17. Scanlon, T. (1976). Nozick on Rights, Liberty, and Property. *Philosophy and Public Affairs*, 6(1) (Autumn, 1976), 3-25.